

حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه اعلام بیعت و وفاداری دبیرکل ورزندگان مؤمن و شجاع حزب الله، با اشاره به پیش‌گامی حزب‌الله لبنان در مبارزه با دشمن صهیونیستی و الهام‌بخشی آن‌برای ملت‌های آزاده‌جهان در رهایی از ظلم استکبار جهانی، بر استمرار سیاست راهبردی ایران در دفاع از مجاهدان لبنان تأکید و خاطر نشان کردند: «جمهوری اسلامی ایران حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قیدوشرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به‌عنوان شرط اول تفاهم‌نامه پایان جنگ تحمیلی با آمریکای متجاوز قرار داده است.»

متن کامل پاسخ رهبر انقلاب به نامه‌ر زندگان حزب‌الله به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...»

جناب حجه‌الاسلام‌والمسلمین آقای شیخ نعیم قاسم (دام‌عزه)

اسرائیل باید از لبنان برود

دبیرکل محترم حزب‌الله لبنان و تمامی فر ماندگان ورزندگان جان‌برگفت، صبور و مقاوم حزب‌الله

سلام علیکم جمیعاً ورحمه‌الله

نامه شما برادران و فرزندانم، وزندگان مؤمن و شجاع حزب‌الله سرفراز که حامل پیام پایداری و استقامت برای اعتلای کلمه‌الله‌ویاور مندی به‌وعده‌های قرآن‌عظیم‌وآرمان‌های عزت‌آفرین امام خمینی وقائدشهدآیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم‌ا بود، موجب تقدیر و تکریم است.

امروز که ملت‌های جهان از ظلم و بیداد دولت آمریکا و صهیونیست‌های جنایت‌کار و نابودکننده حرث و نسل به ستوه آمده‌اند، راهی جز جهاد و مقاومت، پیش رو نمانده است و پایداری در این راه، نصرت موعود الهی رانصیب مجاهدان راه حق خواهد کرد «...وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» اکنون که حزب‌الله لبنان به‌عنوان پیش‌گام گروه‌های جهادی در برابر هجوم

واقعیت جدید تنگه هرمز و ترتیبات ایرانی به همسایه جنوبی و میانجی‌ها تفهیم شده است

لا عمان، لا کردیور

مورد جنبه اقتصادی موضوع تنگه هرمز صحبت می‌شود، مسئله‌شماره یک برای طرف ایرانی، قبل از مسئله اقتصادی، موضوع ریسک‌زدایی از تنگه هرمز است. تنگه هرمز به‌عنوان یک ابزار نظامی، علیه ایران به صورت‌های مختلف استفاده شده و مسئله اول ایران این است که از آب خودش یا مرزهای آبی در همسایگی به‌عنوان ابزار نظامی علیه ایران استفاده نشود، در این معنا ما و عمان دو کشور مساوی که هر دو از آب‌های همسایگی استفاده می‌کنند نیستیم به این خاطر که علیه عمان در این آب، حمله صورت نگرفته است، بلکه این حمله علیه ایران انجام شده است. ۹۵ درصد ترافیک رفت و برگشت در جنگ از سمت عمانی تنگه هرمز اتفاق افتاده است. این حقیقتی است که باعث می‌شود، گفت‌وگو‌ها، یک گفت‌وگوی ساده همسایگی بر سر یک تنگه مشترک نباشد، آن شکل از نگاه که صرفاًدر مورد مدیریت تنگه‌هرمز بر مبنای همسایگی صورت‌بگیرد، مربوط به قبل از ۹ اسفند است. فلذا هر روزی‌ما عم از اقتصادی یا مدیریتی، بایستی شامل فرایند ریسک‌زدایی باشد و سده تیرده معنای ریسک‌زدایی؛ بازرسی کردن و تعیین ذی‌نفع نهایی هر عبور و مروری از داخل تنگه هرمز است. بسته به توان بازرسی و موارد دیگر می‌توان مفصل‌در مورد جزئیات آن صحبت کرد.»

ایده خطرناکی به نام گفت‌وگوی منطقه‌ای

در این میان اظهارات خطرناکی در مورد گسترده کردن سطح مذاکرات در مورد منطقه به گوش می‌رسد. شاکری در این مورد گفت: «ایده‌های خطرناکی شنیده می‌شود مبنی بر آنکه خوب است که گفت‌وگو در مورد تنگه هرمز منطقه‌ای باشد، یعنی به جز ایران و عمان، با کشورهای دیگری که ذی‌نفع تنگه هرمز نیز هستند، گفت‌وگو شود. در بند ۵ تقریباً به این موضوع دقت شده و موضوع سلطنت عمان از سایر کشورها کاملاً جدا شده و قرار است سایر کشورها صرفاً گفت‌وگوی انجام شود. اما برای سلطنت عمان گفت‌وگو بر سر مدیریت بند ۵ درج شده که باید در طول ۶۰ روز یا بعد از آن با یکدیگر به تفاهم برسند، چرا ایده گفت‌وگوی منطقه‌ای در سر تنگه هرمز خطرناک است؟ به این خاطر که اساساً از زاویه حل منازعه، یک موضوع ساده‌تر را به یک موضوع پیچیده‌تر، ربط می‌دهد. کشورهای منطقه، یک‌دم‌ت نیستند، بایک‌دیگر اختلافات شدید دارند، مثل اختلافات امارات و عربستان، با اختلاف امارات و عربستان با قطر، این دلیلی ندارد که ما با پیوند زدن موضوع تنگه هرمز، با این استدلال که این کشورها، در آن منافع دارند، بدون توجه به آنچه در طول این جنگ رخ داده، رسیدن به یک مدیریت مدنی در تنگه‌هرمز را به تأخیر بنندازیم. در آمل‌زدایی فرع بر موضوع بازرسی و فرع بر موضوع مدیریت است. اینکه شما چه مللی از مدیریت، به بازرسی را اتخاذ کنید، روش در آمل‌زدایی را نیز قابل توجه می‌کند. وقتی شما توانستید مدیریت امنیتی خودتان

مجیدشاکری: مسئله‌شماره یک

ریسک‌زدایی از تنگه‌هرمز است

شاکری به این موضوع اشاره کرد که اعمال هر سازوکاری در تنگه ابتدا باید بر مبنای ریسک‌زدایی از تنگه هرمز تنظیم شود و توضیح داد: «با وجود اینکه بسیار در

تحولات نظامی ۲ هفته اخیر از طرف آمریکا چه معنایی دارد؟

پارادوکس سنتکام

مناسب حمل خودرو که «ورو» نامیده می‌شوند بالای ۱۰ هزار تن و کشتی های کانتینری به طور متوسط ۲۵ تا ۴۰ هزار تن بار را حمل می‌کردند. این اعداد ۱۰۰ تا ۸۰۰ برابر بار قابل حمل توسط هواپیماهای ترابری سنگین است. حمل‌ونقل دریایی نه تنها در شرایط برابر ۱۰ تا ۲۰ برابر ارزان‌تر است که در حمل بار اعطاف دارد؛ اما بارگیری هوایی برخی تجهیزات آسان نیست. این مسائل حکایت دارد که مقاومت چگونه عرصه را بر دشمن برای ترمیم خسارت‌ها و ارسال تجهیزات تنگ کرده است. این به معنای عدم تجهیز یا ارسال ادوات در حجم بالا نیست؛ اما آنچه منتقل شده نسبت به آنچه می‌شد منتقل شود، به‌مرابت کمتر است.

با وارد آمدن آسیب جدی به پایگاه‌های هوایی خلیج‌فارس، آمریکا هواگردهای خود را به اردن و فلسطین اشغالی اعزام کرد. به‌زمع آمریکا انتقال آن‌ها به دوردست امکان حمله ایران را دشوارتر می‌کرد؛ اما حملات پر حجم با موشک‌های دقیق این برداشت را زایل کرد.

آمریکا در حال بازآرایی سیستم‌های پدافندی خود در منطقه با دکتین پدافندی جدید رژیم صهیونیستی است. با کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر و انهدام رادارهای بزرگ در منطقه، رژیم صهیونیستی که در برابر هر موشک ایران تعداد زیادی موشک رهگیر پرتاب می‌کرد، به سمت دقت در شلیک رفت تا این تعداد کاهش یابد. در خصوص رادارها رژیم، اتصال داده‌ای زنجیره‌ای از رادارهای کوچک و بهره‌گیری بیشتر از ماهواره‌ها را به‌عنوان پوشش ضعیف پیش آمده، برگزید.

تلاش برای کاهش شلیک و روش‌های پوششی شناسایی ریسک را بالا می‌برد که در افزایش اصابت‌ها آشکار شد. در درگیری‌های اخیر موشک‌های رهگیر امارات و قطر دست‌نخورده باقی ماندند، رژیم چند شلیک محدود در برابر حمله به عقبه داشت؛ اما در اردن و کویت مصرف بالا بود. عربستان نیز از سمت یمن تفت‌فشار قرار گرفت. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) شدیدتر ین کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا را به موشک‌های رهگیر مربوط می‌داند به‌طوری که تخمین زده می‌شود ۱۹۰ تا ۲۹۰ و ۳۶۰ رهگیر THAAD (تا ۸۰۰ درصد)، ۱۳۰ تا ۲۵۰ و ۴۱۰ رهگیر SM-۳

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پاسخ به نامه دبیرکل ورزندگان حزب‌الله، راهبرد ایران درخصوص مقاومت را تبیین کردند

اسرائیل باید از لبنان برود

سبعانه رژیم صهیونیستی و حامیانش، چون صخره‌ای ستر ایستاده است، این پایداری پیامی الهام‌بخش برای ملت‌های آزاده جهان در جهت رهایی از ظلم و سستم استکبار جهانی و دست‌نشاندهانش شده است. بی‌تردید بخش قابل توجهی از این دستاورد بزرگ مرهون صبوری، نجابت، فداکاری و همراهی مردم لبنان خصوصاً منطقه جنوب بوده است.

جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای خط‌مشی رهبر معظم وشهد انقلاب، امام سیدعلی خامنه‌ای رضوان‌الله‌تعالی‌علیه دفاع از این مجاهدان مظلوم و مقتدر را سیاست راهبردی خود تعیین کرده و حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قیدوشرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به‌عنوان شرط اول تفاهم‌نامه پایان جنگ تحمیلی با آمریکای متجاوز قرار داده است.

صلوات و رحمت خدای متعال بر شهدا و مجروحین و خانواده‌های صبور آنان، مهاجران فی سبیل‌الله که تحمل مصائب را بر خود هموار کردند. سلام

خدا بر روح ملکوتی سیدالشهدای حزب‌الله، سیدحسن نصرالله و همه فرماندهان سلف مقاومت و یاران شهیدش رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم‌جمعین که نهال مقاومت اسلامی را به درختی تنومند مبدل کردند که اصل‌ها ثابت و فرع‌ها فی‌السماء، رزمندگانی که با جهاد و مقاومت خود، عزت و سربلندی لبنان را در جهان اسلام به ارمان آورده‌اند.

درخامنه‌امیدوارم،به‌برکت‌دعای خیر سرورمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انواع عنایات و الطاف الهیه شامل حال همه مجاهدان و شهدا و جانبازان مقاومت و مهاجران و خانواده‌های صبور آنان باشد.

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای



می‌آورد و گر نه به روش‌های مختلف از پیشنهادهای خردمندانه شامل منافع ملی دو طرف و یک معای توسعه‌خواهانه برای آینده منطقه به عمانی‌ها پیشنهاد شد. تصو می‌کنم که‌با مشخص شدن اینکه آمریکایی‌ها شانس‌ی برای فیصله‌نظامی این جنگ ندارند، امیدوار هستند عمانی‌ها کم‌کم بیشتری کنند که بتوانند در جهت منافع ملی خودشان تصمیم‌بگیرند.»

گفت‌وگوی جدادر مورد تنگه‌هرمز معنا ندارد

شاکری در مورد اینکه سفر طرف هیئت عمانی و بازگشت به مذاکره در این بازه زمانی چه معنایی دارد نیز توضیح داد: «باید مشخص شود که گفت‌وگوی جدادر مورد تنگه‌هرمز معنا ندارد، کل تفاهم‌نامه چیزی است که باید بر سر آن گفت‌وگو شود. توقف‌تش، فقط وقتی ارزش دارد که آمریکایی‌ها در همان سطحی که اعلام کردند از تفاهم‌نامه خارج شدند، اعلام کنند به تفاهم‌نامه باز خواهند گشت. نکته دیگر این است که چون نقض «MOU»، در دور اول به‌وسیله آمریکایی‌ها نقض بند ۵ و آوردن نیروهای نظامی جدید و ناباکسسر جدید به منطقه برای ایجاد کردیدور جنوبی بود، در این دور نمی‌توانیم مجدداً خروج آمریکایی‌ها از محیط پیرامونی ایران را بر روزه نهایی موکل کنیم. آمریکایی‌ها بایستی نشان دهند که علاوه بر توقف‌آتش، متعهد به کاهش سطح حوزہ نظامی نیز هستند، پس بایستی مذاکرات بر مبنای بند ۴، مستقل از مذاکرات روزه نهایی انجام‌شود و بعد از آنکه به یک جدول نهایی کاهش حضور نظامی آمریکایی‌ها رسید، توقف‌آتش اعلام شود. پس ایده بازگشت به «MOU»، منطقی تر ین ایده ممکن با توجه به ضعف‌های فنی طرف مقابل در دستیابی به‌متن جدید است، اما تصور اینکه صرفاً می‌توان به «MOU» قبلی بازگشت، با توجه به حقایق موجود، درست نیست و برخی تفسیر باید زودتر اجرایی شود.»

(پیش از نیمه) و ۱۰۶۰ تا ۱۴۳۰ از ۲۳۳۰ رهگیر پاتریوت (تا ۶۱ درصد) مصرف شده‌اند.

علاوه بر از بین‌رفتن ذخایر رهگیرها و انهدام رادارها، تغییر مداوم تاکتیک‌های حمله ایران، ارتقای موشک‌ها و فرسایش تجهیزات آمریکا دیگر دلایل تضعیف پدافند دشمن هستند.

۵ با تضعیف پایگاه‌های خلیج فارس، آمریکا بلافاصله پس از پایان جنگ دست به تقویت قوای دریایی خود در دریای عمان زد؛ اهداف شامل امتحان شانس برای عبور دادن کشتی‌ها از تنگه با اسکورت و اعمال محاصره دریایی بود؛ اما یک هدف کلان، جبران ضعیف قدرت آتش در خلیج فارس به حساب می‌آمد. با این حال جناح دریای عمان به دلیل ناو‌نسیب به پایگاه زمینی در قدرت تحرک و فرار از شناسایی مزیت دارد، اما با شلیک‌های مداوم تجهیزات و نفرات در معرض فرسایش قرار می‌گیرند. محدودیت چهارم واگذاری وظیفه محاصره به آن‌هاست که ناوگان آمریکا نمی‌توانست هم‌زمان با تهاجم آن را اجرایی کند.

۶ دشمن به سمت استفاده از راکت زمین‌به‌زمین علیه ایران حرکت کرده است. راکت‌های هایپارسا پس از جنگ اوکراین برای تأمین نیازهای این کشور با افزایش تولید روبه‌رو شدند و واشنگتن بر همین اساس در پی استفاده از ظرفیت آن‌هاست. دلایل دیگر شامل انتقال جنگنده‌ها به پایگاه‌های دورتر در شام، مصرف مهمات هواپایه دقیق و کرو‌زها در جنگ و امکان رهگیری پرتابه‌های هوایی کم‌سرعت است. ایران گرچه در رهگیری جنگنده و بمب‌افکن مشکلاتی دارد؛ اما در قبال پهپادهای شناسایی – رزمی، انتحاری و موشک‌های کرو‌ز عملکرد قابل‌قبولی داشته است.

استفاده شدید از مهمات دقیق هواپرتاب بازدارندگی آمریکا در دیگر جبهه‌ها را با چالش مواجه کرده است. در گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) آمده آمریکا در جریان جنگ با ایران حدود ۳۷۱۰ تا ۴۵۱۰ فروند از مهمات کلیدی هدایت‌شونده دقیق را مصرف کرده که این رقم معادل حدود ۳۱ تا ۳۸ درصد از ذخایر تخمینی این تسلیحات پیش از آغاز جنگ برآورد می‌شود.

۷ عدم توفیق در جنگ، به بن‌بست خوردن توان هوایی، تضعیف پایگاه‌ها و مهمات هوایی به همراه فرسایش جنگنده‌ها، آمریکا را به سمت استفاده از گزیه‌های دیگر برای کسب موفقیت و مجبور کردن ایران به قبول شرایطش سوق داده است. در جنگ ۱۲ روزه نیروی هوایی دشمن علیه ایران به کار رفت و در جنگ ۴۰ روزه علاوه بر نیروی هوایی، نیروی دریایی وارد معادله شد؛ اما تاکنون نیروی زمینی بیرون از دایره مانده است.

در جنگ ۱۲ روزه شواهدی از احتمال حمله زمینی دسته‌جات تروریستی از سمت اقلیم کردستان وجود داشت. در جنگ ۴۰ روزه این شواهد به تهدید علنی تبدیل شد و دشمن با پول و سلاح، تلاش کرده بود ضمن ایجاد اتحاد میان گروه‌های مختلف، هزاران نیرو برای حمله زمینی از اقلیم فراهم آورد. این گزینه در جنگ ۴۰ روزه اجرایی نشد. مخالفت ترکیه، نگرانی دولت مرکزی عراق و احزاب رسمی اقلیم به همراه حملات و تهدیدات ایران و گروه‌های مقاومت عراق مانع از اجرای این حرکت شد. در این میان یک عامل قوی وجود داشت. تروریست‌ها خود را آماده کرده بودند در صورت موفقیت عملیات آمریکا و بروز شورش و بی‌ثباتی داخلی حمله خود را برای برداشت پیروزی آغاز کنند؛ اما قضایا شکل متفاوتی به خود گرفت. با پایداری ایران و حفظ انسجام داخلی شرایط حمله مهیا نشد و پس از مدتی فشارهای آمریکا به تروریست‌ها افزایش یافت؛ زیرا آن‌ها به حمله از سمت اقلیم برای جلوگیری از شکست نیاز داشتند. در این وضعیت تروریست‌ها فهمیدند دیگر قرار نیست برای برداشت محصول پیروزی حمله کنند؛ بلکه باید دست به عملیات انتحاری بزنند تا آمریکا شکست نخورد.